

نقش و کارکردهای نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی

دکتر رضاه حسن‌زاده

چکیده

در این مقاله به بررسی نقش و کارکرد نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی می‌پردازیم. نهادهای آموزشی از جمله نهادهای بنیادی جامعه به حساب می‌آیند. اصولاً جوامع برای یادگیری، دانش‌اندوزی، انتقال ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی و ارزش‌گذاری به اصول اخلاقی، اهمیت قابل‌اند. هر چیزی که برای یک نظام اجتماعی، مورد نیاز، محترم، مفلس، خواستن و مطلوب تلقی شود، جزو ارزش‌های آن جامعه است. میان ارزش‌ها و توسعه ملی در ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تعامل وجود دارد. نهادهای آموزشی هر کشور در انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی نقش مهمی دارند. نظام تعلیم و تربیت، مدارس و نهادهای آموزشی در هر جامعه منعکس‌کننده ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی - اجتماعی آن جامعه محسوب می‌شود. در این مقاله به فرهنگ و ویژگی‌های آن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، ارزش‌ها و نقش نهاد آموزشی، تحقیقات انجام شده در این زمینه، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها می‌پردازیم.

نهاد، نظام سازمان یافته و پایداری از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای تأیید شده و بکنواخت را در جهت برآورده ساختن نیازهای بنیادی جامعه، ایجاد می کند. در هر جامعه، پنج نهاد اجتماعی بنیادی وجود دارد. که عبارتند از نهاد خانواده، نهاد آموزشی، نهاد مذهبی، نهاد اقتصادی و نهاد حکومتی. هر نهاد، کارکردها و مسئولیت های معینی دارد که به افراد جامعه واگذار می شود و برای رسیدن به هدفهایش، باید کارکردهای چندگانه ای انجام دهد. نهادها چند ویژگی اساسی و مهم دارند:

1. هدف اصلی هر نهادی بر آوردن نیازهای اجتماعی خاصی است.
2. نهادها ارزش های غایی اعضای خود را متبلور می سازند.
3. نهادها نسبتاً پابدارند. چنان که الگوهای رفتاری جا افتاده در آنها، به صورت بخشی از سنت فرهنگی یک جامعه در می آیند.

4. مبانی اجتماعی نهادها چنان گسترده است که فعالیت هایشان بهت وسیعی از جامعه را می پوشاند. هر تغییر چشمگیری در یک نهاد، احتمالاً دگرگونی هایی در نهادهای دیگر به بار می آورد.
5. هر چه همه نهادهای یک جامعه به هم وابسته اند، هر نهادی بر محور یک رشته منجاریها، ارزش ها و الگوهای رفتاری مورد انتظار، به شدت ساختارمند و سازمان یافته است.
6. آرمان های یک نهاد معمولاً مورد پذیرش اکثریت عظیمی از اعضای جامعه است. چه آن ها در این نهادها عملاً مشارکت داشته باشند و چه نداشته باشند.

نهادهای آموزشی ساختارمند و تشکیلات اداری بسیار منظم دارند. جامعه برای یادگیری، دانش آموختن و انتقال ارزش های اجتماعی - فرهنگی، ارتقای تحصیلی، تربیت صحیح و رسیدن فرد به کمالات انسانی، رعایت انضباط اجتماعی و ارزش گذاری فرهنگی، اهمیت بسیاری قابل است. از طریق فرآیند اجتماعی شدن به طور کلی، هر نهاد اجتماعی، شیوه های رفتار شایسته و ناشایسته را به افراد نشان می دهد. برای مثال، در مدرسه به ما آموخت می شود که از قوانین مملکت پیروی کنیم، به بزرگ ها احترام بگذاریم، با همکلاسان خود همکاری کنیم، برای رقابت سازنده ارزش قابل شویم.

از تغلب و تجاوز به حقوق دیگران بپرهیزیم و به مقدسات دینی و آرمان‌های ملی احترام بگذاریم. نهادها به افراد جامعه می‌آموزند که بهترین شیوه رفتار، ممان رفتار با نباتات و همساز نهادینه شده است و این سازمان‌ها در جهت تنظیم و نظارت بر رفتار اجتماعی عمل می‌کنند. کارکردهای ویژه نهاد‌های آموزشی عبارت‌اند از: ایجاد آمادگی در افراد برای قبول نقش‌های شغلی، عمل کردن در نقش وسیله انتقال میراث فرهنگی، آشنا ساختن افراد جامعه با نقش‌های گوناگون، آماده ساختن افراد برای برخی نقش‌های اجتماعی مورد انتظار، فراهم آوردن بنای ارزش‌یابی و فهم منزلت‌های اجتماعی، فراهم آوردن تنبیه و پیشرفت در جامعه از طریق پژوهش‌های علمی و تقویت تطبیق قدرت افراد با ارزش‌های اجتماعی و سهیل روابط اجتماعی.

فرهنگ و ویژگی‌های آن

انسان‌ها نوشتند که به کمک نیروی اندیشه، بر خلاف دیگر جانداران، خود را از تسلیم و وابستگی بی‌فید و شرط به طبیعت برهانند و برای مبارزه و تسلط بر آن، راه‌ها، روش‌ها و وسایلی اختراع کنند که به مجموعه آن‌ها «فرهنگ»^۱ می‌گویند. فرهنگ مجموع پاسخ‌های انسان به پرسش‌ها و نیازهای گوناگون ناسی از ضروریات زندگی در طبیعت و در جامعه است. تایلور^۲ فرهنگ را حاصل رفتار و کردار انسان‌هایی می‌داند که در جامعه زندگی می‌کنند. بنابراین، فرهنگ شیوه کلی زندگی در هر جامعه است و ویژگی‌هایی دارد:

۱. انتقال پذیری: فرهنگ فرآیندی است که از طریق آموزش، از نسلی به نسل بعدی انتقال و ادامه می‌یابد و دگرگون می‌شود. فرهنگ با انتقال تجربه‌ها، الگوها و قالب‌های رفتاری را در ذهن افراد جامعه حک می‌کند و زمانی که این قالب‌ها حک شده، آثار تجربه‌ها، عمیق و مداوم و مستمر می‌شود. فرآیند حک کردن از طریق جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و یادگیری انجام می‌شود.

۲. اکتسابی بودن: فرهنگ را می‌توان مجموع ویژگی‌های رفتاری و اکتسابی افراد یک جامعه دانست. واژه تعیین‌کننده در این تعریف همان واژه اکتسابی است که فرهنگ را از رفتاری که نتیجه وراثت زیست‌شناختی است، متمایز می‌سازد.

۳. همگامی بودن: فرهنگ دست‌آورد فردی نیست، زیرا مجموعه‌ای از افراد در پدید آوردن آن شریک و سهیم‌اند.

۴. وسیله کنترل و نظم اجتماعی: از آن‌جا که افراد، شیوه‌های رفتاری و الگوهای فرهنگی جامعه را، چه به صورت سطحی (جامعه‌پذیری)^۱ و چه به صورت عمقی (فرهنگ‌پذیری)^۲ یاد می‌گیرند، فرهنگ وسیله‌ای است که رفتار و تمایلات و کردار آنان را بکنواخت می‌کند و از طریق مجازات‌هایی باعث کنترل و ایجاد نظم در جامعه می‌شود (۲).

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی

از نظر جامعه‌شناختی، ارزش‌های اجتماعی به عوامل و عناصری اطلاق می‌شود که اکثریت مردم یک جامعه به اهمیت و اعتبار آن پی برده‌اند و به صورت واقعبینانه و آموزشی درآمده‌اند که نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه را برآورده می‌سازند. به بیان دیگر، هر چیزی که برای یک نظام اجتماعی مورد نیاز، محترم، مقدس، خواستی و مطلوب تلقی شود، جزو ارزش‌های آن جامعه است. درست‌کاری، احترام به حقوق دیگران، رعایت حق والدین، احترام به بزرگ‌ترها و مانند آن چند نمونه از این گونه ارزش‌های اجتماعی است.

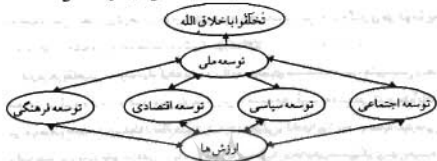
هنجارهای اجتماعی، شیوه‌های رفتاری معینی هستند که براساس ارزش‌های اجتماعی جامعه شکل می‌گیرند و با رعایت آن‌ها جامعه نظام پیدا می‌کند. در اصطلاح جامعه‌شناسی، هنجارها را «الگوهای استاندارد شده رفتار و کردار» می‌نامند. این الگوها نشان‌دهنده رفتار مطلوب افراد جامعه‌اند. مقررات رسمی، قوانین، احکام فقهی و شرعی، آداب و رسوم، شیوه‌های قومی و نظایر آن از جمله هنجارهای جامعه به‌شمار می‌روند. هنجارهای اجتماعی، راهنماهای آن‌کاری هستند که به مردم یک جامعه می‌گویند چگونه باید در شرایط خاص رفتار کنند. به علاوه، برای اعضای جامعه مشخص می‌سازند که در یک موقعیت اجتماعی، چه نوع رفتاری را در پیش گیرند و از چه نوع رفتاری پرهیز کنند (۳).

ارزش‌ها در تعامل اجتماعی و انتخاب روابط بین فردی نقش مهمی ایفا می‌کنند و راهنمایی برای

رفتارهای روزمره و واکنش های متقابل اجتماعی اند. طرز فکر و ارزش هایی که فرد به آن پای بند است، رفتار، نگرش ها، نیازها و ادراکات او را در تعامل با محیط اجتماعی تحت تأثیر قرار می دهند. نظام ارزشی، برادراکات، انتخاب ها و تفسیر های آدمی از رویدادهای زندگی تأثیر می گذارند و رفتار او را جهت می دهند. به زعم ماتسکو هوستون^۴، تبلور فرهنگ در رفتار اجتماعی با توجه به ارزش های فردی و اجتماعی صورت می گیرد (۴).

بین ارزش ها و توسعه ملی تعامل و کشش و تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. این تعامل را در نمودار زیر نشان داده ایم.

نمودار تعامل ارزش ها و توسعه ملی در قانون اساسی



ارزش ها و نقش نهاد آموزشی

ارزش ها، نگرش ها و علائق از جنبه های بسیار مهم شخصیت انسان به شمار می روند. ماهیت و اثر ارزش ها بر پیشرفت تحصیلی، موفقیت شغلی، روابط بین فردی، رضامندی از فعالیت ها و سایر جنبه های زندگی روزانه بارز است. فرایند ارزش گذاری بخشی از طبیعت انسان است و نظام ارزشی یک شخص تعیین می کند که یک تجربه تا چه اندازه معنا دارد، چه مقدار هیجان برمی انگیزد و در آینده چه ارزشی خواهد داشت. به عقیده رولوم^۵ نوعی الگوی رشد^۶ در شکل گیری ارزش ها وجود دارد. بعد از تولد، محبت، مراقبت و تغذیه ای که مادر فراهم می آورد، با ارزش تر می شود و هرگونه تهدید این نیازها سبب می شود که نوزاد اضطراب را تجربه کند. همچنان که کودک رشد می یابد، موضوعاتی مانند پذیرش، موفقیت و جایگاه در بین همسالان ارزشمند می شود (5).

وظیفه اساسی هر فرهنگ در زمینه پرورش اجتماعی، تعلیم معیارهای اخلاقی و ارزشی^۶ و شکل‌دهی و تقویت کاربرد رفتارهای شایسته در کودک در حال رشد است. هر چند که در فرهنگ‌های گوناگون ارزش‌ها و رفتارهای خاص مطلوب متغیرند، همه جوامع در مورد راست و غلط بودن برخی رفتارها، دارای نظامی از قواعد هستند. از کودک و نوجوان انتظار می‌رود که این قواعد را بیاموزد و هنگام نخطی از آن‌ها احساس گناه یا نوازش عاطفی کند و هنگام پیروی از آن‌ها احساس رضایت و خرسندی به او دست‌دهد. فرد حاضر را دوران تحول و نزلزل‌ارزش‌ها نامیده‌اند. در جوامع کنونی، مفاهیم ارزشی اعتبار خود را از دست داده‌اند مفاهیمی از قبیل آزادی، عدالت اجتماعی و برابری انسان‌ها مورد تعبیر و تفسیرهای متفاوتی قرار گرفته و در بعضی موارد به ضد خود تبدیل شده است. به عقیده دبس^۷ "نظام ارزش‌ها در جوامع دنیای علم و اطلاعات در جوانان پایه‌گذاری می‌شود و به تنظیم رفتار و منحصر کردن عقاید آنان کمک می‌کند"^(۶).

ارزش‌ها مفاهیمی مطلوب، یاد گرفته شده و سازه‌های نظری هستند که انتخاب‌ها براساس آن‌ها صورت می‌گیرد و فرد را به عمل وامی‌دارند. ارزش‌ها هدف‌های گسترده و انتزاعی‌اند و غالباً فاقد شیء یا موضوع مشخص یا نقطه ارجاع هستند. شجاعت، زیبایی و آزادی ارزش‌اند و به مثابه معیارهایی برای نضارت با معیارهای انتزاعی^۸ "عمل می‌کنند که شخص از آن‌ها برای تصمیم‌گیری بهره‌م می‌برد و از آن طریق نگرش‌ها و باورهای خاص را در خود ایجاد می‌کند. هر کنه‌ان و اسرون در کتاب مقدمه‌ای بر نظر به‌های شخصیت به نقل از می، ضمن بیان فرآیند رشدی ارزش‌ها به "ارزش‌های رشد یافته"^۹ اشاره می‌کنند. ارزش‌های رشد یافته با تأکید بر آزادی، آینده و برتری حالت انسان، مهربانی او را نشان می‌دهند"^(۷).

انتخاب‌های انسان براساس ارزش‌های وجودی او صورت می‌گیرد و اعمال و رفتارهای نیز براساس همان نظام ارزشی جهت‌یابی می‌کند. نظام ارزشی هر جامعه متفاوت است. به عبارتی، ارزش‌ها تغییر تمدن و فرهنگ جامعه تغییر می‌کند و از آن بالاتر این که حتی ارزش‌های یک جامعه در گروه‌های گوناگون، متفاوت است. مثلاً ارزشی را که نوجوانان پذیرفته‌اند، شاید بزرگسالان طرد کنند و یا کمتر قبول داشته باشند^(۸).

گذشت زمان در دیدگاه‌ها و باور‌ها و فرهنگ جوامع تغییر و تحول ایجاد می‌کند و ارزش‌های افراد، که از فرهنگ و تمدن ملی و قومی پدید آمده‌اند، از این تحول به دور نمی‌مانند. شاید بتوان تحول ارزش‌ها در میان اکثریت قشر‌های مردم ایران پس از انقلاب اسلامی را شاهدی روشن بر این مدعا دانست. زیرا پس از انقلاب به بسیاری از ارزش‌های مرتبط با نظام اجتماعی و سیاسی منحل شد و ارزش‌های جدیدی مانند وحدت ملی، ایثار، فداکاری و تقید علمی جایگزین آن‌ها گردید. ارزش‌ها نسبتاً پایداریت و پایدارند ارزش‌های امروز فرد، احتمالاً با ارزش‌های گذشته او و ارزش‌هایی که در آینده خواهد داشت، شباهت بسیار دارند. دوام ارزش‌های فرد در مورد اهمیت نسبی آن‌هاست. به عبارت دیگر، همه ما مجموعه ارزش‌های ملی داریم که نظام ارزشی ما را تشکیل می‌دهند. ارزش‌های ما از نظر ما اهمیت دارند و بر رفتار و کردار ما تأثیر می‌گذارند (۹).

عقل‌بین ارزش‌ها، هنجارها و بخش‌های گوناگون یک فرهنگ رابطه وجود دارد. ارزش‌ها قسمت سلسله زندگی بشر محسوب می‌شوند. سنجر و لام ضمن تأکید ارزش‌ها در یک جنبه مهم از زندگی انسان‌ها، به نقش نهادهای آموزشی تأکید می‌ورزند.

و باید توجه داشته باشیم که مدارس و نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی نقش مهمی دارند. نظام‌های آموزش و پرورش، مدارس و کلاس‌های درس در هر فرهنگ منعکس‌کننده ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، اجتماعی به کودکان است. تمام قواعد اجتماعی و ارزش‌های مطلوب را می‌توان از طریق نهادهای آموزشی به کودکان انتقال داد (۱۰).

یکی از ویژگی‌های اصلی ارزش‌ها، سلسله مراتبی بودن آن‌هاست. پارسونز^{۱۳} در تحقیق خود به وجود سلسله مراتب ارزش‌ها در انسان پی برد. در خصوص ساختار ارزش‌ها باید نظریه اسپرنگر^{۱۴} را، که افراد را بر حسب علاقه و ارزش دادن به چیزها به شش طبقه یا سطح تقسیم می‌کند مطرح کرد.

۱. سطح نظری و رغبت اصلی فرد نظری کشف حقیقت است. هدف اصلی چنین فردی، در زندگی مرتب و منظم کردن معلومات خود است. در نتیجه، ضرورتاً فردی با آموزش و اصولاً عالم یا فیلسوف است.

۲. سطح اقتصادی، علاقه فرد اقتصادی، به چیزی است که سودمند باشد.

۳. سطح زیباشناختی، این فرد ارزش را در شکل و توازن می‌بیند.

۴. **منح اجتماعی**؛ بالاترین ارزش این منح، عشق به مردم است. این فرد مهربان و نسبت به مردم هم‌درد و بی‌غرض است.
۵. **منح سیاسی**؛ فرد سیاسی در درجه اول علاقه‌مند به قدرت است.
۶. **منح مذهبی**؛ نوری‌ترین ارزش فرد مذهبی را می‌توان «وحالتیت نماز» فرد مذهبی همیشه متوجه ایجاد بالاترین و افتخار کننده‌ترین ارزش هاست و در هر واقعه مثبت الهی را می‌بیند (۱۱).

تحقیقات انجام شده در ارتباط با موضوع و عنوان مقاله

در این بخش، به تحقیقات انجام شده در زمینه موضوع تحقیق اشاره می‌کنیم. اکس و همکاران در تحقیق گسترده‌ای به بررسی تأثیر تغییر در موضوع و احوال مدرسه و خانه بر عقاید، ارزش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای نوجوانان در چند حیطه فعلی آن‌ها پرداختند. داده‌ها این فرض را تأیید کرد که تغییر در شرایط مدرسه، شرایط خانه و شرایط رشدی نوجوانان باعث تغییر در عقاید، ارزش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای آنان می‌شود (۱۲).

کوهن و راز^{۱۳} نیز در تحقیقی که در مورد گروهی از نوجوانان فرانسوی انجام داد، به این نتیجه رسید که تغییر محیط شناختی و محیط اجتماعی نوجوانان باعث تغییر در وضعیت تحصیلی و نظام ارزش آن‌ها می‌شود (۱۳).

نوبیدی در تحقیقی که در مورد ۳۶۶ دانش‌آموز دبیرستانی انجام داد، مشخص کرد که سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان تحت تأثیر سطح سواد، شرایط اقتصادی و ارزش‌های پذیرفته شده و قدین آن‌هاست. به نظر می‌رسد که بین سطح سواد والدین و نظام ارزش کودکان و نوجوانان ارتباط نزدیکی وجود دارد. همچنین نحوه فرزند پروری در خانواده، بر پذیرش ارزش‌های فرهنگی و خانوادگی اثر قاطع می‌گذارد. به نحوی که در کشورهای آمریکایی، بر ارزش‌های فردی و رشد و پیشرفت فردی تأکید می‌کنند؛ ولی در کشورهای شرقی (مانند ایران، ژاپن، چین) بر ارزش‌های اجتماعی، قبول و پذیرش ارزش‌های خانوادگی و برمی‌تابند دارند (۱۴).

کلکلی^{۱۵} در تحقیقی به این نتیجه رسید نوجوانانی که در ابعاد اجتماعی یا ارزش‌های اجتماعی در

سطح پایین هستند، در فرآیند رشد اجتماعی اختلال دارند و نمی‌توانند معیارها، مقررات و ارزش‌های جامعه خود را درونی کنند (۱۵).

عبدالمیر گلک در تحقیقی به این نتیجه رسید که پسران بیشتر از دختران در موارد اخلاقی با والدین خود اختلاف نظر دارند. در پرسش نامه سلسله مراتب ارزش‌ها، در پسران ارزش‌های اقتصادی و سیاسی بالاتر بود، ولی در دختران ارزش‌های زیبایی‌شناختی، مذهبی و اجتماعی جایگاه بالاتری داشت (۱۶). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که دختران بیشتر از پسران بر یک پارچگی شخصیت و ارزش‌های اجتماعی تأکید می‌ورزند و ازدواج را یک هدف می‌دانند در حالی که پسران آزادی بیان و آزادی رقابت، به منزله ارزش‌های مسلط یاد می‌کنند. نتایج نشان داد که سلسله مراتب ارزش‌ها با توجه به موقعیت جغرافیایی (شهری روستایی)، جنس، سن و شرایط زندگی، در بین نوجوانان متفاوت است (۱۷).

لی و مارکس در تحقیقی که در مورد ۱۵۳۳ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بین سلسله مراتب ارزش‌ها، نگرش‌ها و پیامدهای رفتاری (مانند پیشرفت تحصیلی) دختران و پسران، تفاوت معناداری وجود دارد. در یک مطالعه دیگر، معلوم شد که نوجوانان بزهکار نسبت به ارزش‌های اجتماعی و تمهیدات سیاسی کم توجه‌تر از نوجوانان غیر بزهکار هستند (۱۸).

نتیجه تحقیقی که نگارنده انجام داده است، نشان می‌دهد که سلسله مراتب ارزش‌های دختران و پسران متفاوت است. سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان دختر از سواد و والدین و در پایه‌های گوناگون تحصیلی، متفاوت است. سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان شهری و روستایی نیز متفاوت است. جداول ۱ تا ۴ نتایج آماری تحقیق را نشان می‌دهد.

(جدول ۱) آزمون فر ضحیه شماره ۱ (تفاوت میان نوجوانان دختر و پسر)

ارزش‌ها	دینی	سیاسی	اجتماعی	زیباشناختی	اقتصادی	نظری
میانگین گروه اول (پسر) F	۲۵۶۹	۲۷۲۲	۲۷۲۲	۲۲۶۸	۲۸۷۶	۲۸۸۳
فروتنی تراکمی FC	۲۵۶۹	۸۵/۳	۱۱۶/۲۷	۱۶۲/۰۵	۲۰۷۸۱	۲۲۰/۶۲
درصد فروتنی تراکمی CP	۰/۹۱	۰/۷۹	۰/۵۲	۰/۳۲	۰/۴۰	۰/۲۸
میانگین گروه دوم (دختر) F	۲۸۹۱	۲۸۶۱	۲۷۲۸	۲۸۲۵	۳۷۵۹	۳۷۰۵
فروتنی تراکمی FC	۲۸۹۱	۸۵/۲	۱۱۶/۸	۱۶۵/۰۵	۲۰۲۶۲	۲۲۰/۶۹
درصد فروتنی تراکمی CP	۰/۹۰	۰/۷۳	۰/۲۷	۰/۳۷	۰/۲۶	۰/۵۲
D-CP-CP	۰/۵۱	۰/۲۲	۰/۲۵	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۶

در مورد فرضیه اول، با توجه به این که K محاسبه شده $(2/6)$ در سطح آلفای $25 < P < 5$ از جدول (736) بزرگتر است. فرض یوج (H_0) رد می شود و فرض تحقیق (H_1) که بیان می کند این سلسله مراتب آموزش های دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد، تأیید می گردد.

(جدول ۲ آزمون فرضیه شماره ۲ (تفاوت بین دو گروه سواد والدین))

آموزش ما	دینی	سیاسی	اجتماعی	زیست شناسی	اقتصادی	نظری
میانگین گروه اول (سواد پایین)	۲۶/۸۸	۳۸/۶۲	۴۶/۳۵	۳۷/۶۱	۳۴/۵۲	۳۸/۳۰
فراوانی تراکم FC	۴۶/۸۸	۸۵/۵۲	۱۱۶/۸۷	۱۵۰/۲۸	۲۰/۷۸	۴۱/۰۱
درصد فراوانی تراکم CP	۰/۰۶۹	۰/۱۲۹	۰/۱۸۷	۰/۲۲۲	۰/۲۹۸	۰/۳۵۴
میانگین گروه دوم (سواد بالا)	۳۳/۷۶	۳۷/۲۸	۴۰/۶۷	۳۵/۶۷	۳۸/۳۲	۳۹/۶۲
فراوانی تراکم FC	۳۳/۷۶	۸۲/۰۲	۱۳۴/۷۱	۱۷۵/۳۸	۲۰/۷۲	۲۳۹/۸۶
درصد فراوانی تراکم CP	۰/۰۷۱	۰/۱۳۱	۰/۱۸۷	۰/۲۲۲	۰/۲۹۹	۰/۳۶۸
$O-CP-CP$	۰/۰۰۲	۰/۰۹۵	۰/۰۶۹	۰/۰۳۸	۰/۰۷۱	۰/۰۶۵

در مورد فرضیه دوم، با توجه به این که K محاسبه شده $(7/5)$ در سطح آلفای $25 < P < 5$ بزرگتر است. فرض یوج (H_0) رد می شود و فرض تحقیق (H_1) که بیان می کند این سلسله مراتب آموزش های دانش آموزان و سواد والدین تفاوت وجود دارد، تأیید می گردد.

(جدول ۳ آزمون فرضیه شماره ۳ (تفاوت بین دو گروه پایه تحصیلی))

آموزش ما	دینی	سیاسی	اجتماعی	زیست شناسی	اقتصادی	نظری
میانگین گروه اول (دوم متوسط ۴)	۲۵/۵۹	۳۸/۲۳	۴۷/۷	۳۷/۰۱	۳۸/۳۲	۳۹/۶۱
فراوانی تراکم FC	۲۵/۵۹	۸۲/۰۲	۱۳۵/۹۹	۱۷۵/۳۲	۲۰/۲۲	۲۳۰/۰۵
درصد فراوانی تراکم CP	۰/۰۸۲	۰/۱۵۵	۰/۲۲۱	۰/۳۰۰	۰/۳۷۱	۰/۴۲۲
میانگین گروه دوم (پایه متوسط ۴)	۳۶/۶۷	۳۹/۲۹	۴۰/۹۹	۳۸/۱۱	۳۷/۲۹	۳۷/۲
فراوانی تراکم FC	۳۶/۶۷	۸۵/۹۶	۱۳۶/۹۵	۱۷۵/۰۶	۲۰/۲۵	۲۳۷/۶۵
درصد فراوانی تراکم CP	۰/۱۱۲	۰/۲۱۱	۰/۳۱۲	۰/۴۰۶	۰/۴۹۸	۰/۵۹۰
$O-CP-CP$	۰/۰۳	۰/۰۵۶	۰/۰۸۱	۰/۰۶	۰/۱۲۷	۰/۱۲۶

در مورد فرضیه سوم، با توجه به این که K محاسبه شده (۲۳۲) در سطح آلفای ۵٪ ($P < 0.05$) از K جدول (۳۶) بزرگتر است. فرض پوچ (H_0) رد می شود و فرض تحقیق (H_1) که بیان می کند همین سلسله مراتب ارزش های دانش آموزان پایه اول و دوم و پایه سوم و چهارم متوسط تفاوت وجود دارد، تأیید می گردد.

(جدول ۴ آزمون فرضیه شماره ۴ (شهری - روستایی))

نوعی	اقتصادی	زیستناشناسی	اجتماعی	سیاسی	دینی	ارزش ها
۳۸۸۶	۲۸	۳۷۰۸	۲۰۹۲	۳۸۹۲	۲۵۶۶	میثکین گروه اول شهری F
۲۴۰۲۷	۲۰۷۶۱	۱۶۲۶۱	۱۵۵۵۲	۸۲۵۹	۲۵۶۶	فروانی تراکمی FC
۰/۲۰	۰/۳۲	۰/۲۷	۰/۲۶	۰/۲۲	۰/۷۶	درصد فروانی تراکمی CP
۳۸۰۲	۲۸۳۵	۲۸۸۸	۲۷۶۸	۳۷۰۲	۲۶۹۲	میثکین گروه دوم روستایی F
۲۴۰۸۹	۲۰۵۸۷	۱۶۲۵۲	۱۲۷۴۲	۸۵۹۶	۲۶۹۲	فروانی تراکمی FC
۰/۶۹	۰/۵۸	۰/۴۷	۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۱۳	درصد فروانی تراکمی CP
۰/۲۹	۰/۲۲	۰/۲	۰/۵	۰/۱۱	۰/۵۴	O-C-P

در مورد فرضیه چهارم، با توجه به این که K محاسبه شده (۲۳۰۳) در سطح آلفای ۵٪ ($P < 0.05$) از K جدول (۳۶) بزرگتر است. فرض پوچ (H_0) رد می شود و فرض تحقیق (H_1) که بیان می کند همین سلسله مراتب ارزش های دانش آموزان شهری و روستایی تفاوت وجود دارد، تأیید می گردد.

بدون شک، آموزش و پرورش، یک نهاد اجتماعی گسترده و پیچیده است. که در کنار سایر نهادها، مانند خانواده، دولت و اقتصاد نقش مهم در شکل گیری و ایجاد رفتارهای افراد بازی می کند. صاحب نظران مکتب های جامعه شناسی (کارکرد گرایی^۷، تعارض^۸ و تعامل گرایی^۹) در مورد نقش آموزش و پرورش نظریاتی ارائه داده اند. به زعم کارکردگرایان، آموزش و پرورش و نهادهای آموزشی، مانند دیگر نهادهای اجتماعی، دارای کارکردهای آشکار و پنهان هستند. اساسی ترین کارکرد آشکار تعلیم و تربیت، انتقال دانش است. مدارس به دانش آموزان نحوه خواندن، صحبت کردن به زبان خارجی، آماده کردن و تعمیر یک دستگاه، و از این قبیل را می آموزند. علاوه بر این

کارکردهای آشکار، مدالرس کارکردهای پنهانی نیز دارند که عبارت‌اند از: انتقال فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، تقویت انسجام اجتماعی - سیاسی، حفظ کنترل اجتماعی و عامل تغییر بودن (۱۹).

نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی متون و تحقیقات انجام شده، می‌توان گفت که وظیفه اساسی هر فرهنگ در زمینه پرورش اجتماعی، تفهیم معیارهای اخلاقی و ارزشی و شکل‌دهی رفتارهای شایسته در کودک در حال رشد است. مورگادو^{۲۰} نشان داد که نظام ارزشی افراد بر رفتارهای گوناگون آن‌ها (صحبت کردن، لباس پوشیدن و ...) تأثیر می‌گذارد. کیتا و سپتارزیک^{۲۱} در تحقیقی دریافتند که نگرش‌های والدین در ایجاد یک نظام ارزشی پایا و با ثبات در نوجوانان مؤثر است. هر چه بین نگرش‌ها و ارزش‌های والدین و نوجوانان همسانی بیشتر باشد، نوجوانان کمتر به بحران ارزشی^{۲۲} دچار می‌شوند. مک‌کلرنتی و شروم^{۲۳} دریافتند که بین ارزش‌های شخصی، جهت‌گیری‌های ارزشی، نگرش‌ها و رفتار افراد در موقعیت‌های شغلی ارتباط وجود دارد. نتیجه تحقیق حسن‌زاده نیز نشان داد که ارزش‌دینی در نظر کلیه دانش‌آموزان مورد تحقیق بالاترین رتبه را دارد.

محمد خلیفه خاطر نشان می‌کند که نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌ها و فرهنگ نقش فاعل دارند. او دریافت که بین دانش‌آموزان رشته‌های متفاوت و ارزش‌های آن‌ها رابطه وجود دارد. برای مثال، دانش‌آموزان رشته یازگانی به ارزش‌هایی مانند درآمد، خدمات عمومی، رابطه با دوستان کاری و محیط‌مادی کار اهمیت بیشتری می‌دهند. نظام ارزش‌ها به نوع آموزش (دولتی یا خصوصی) نیز وابسته است و روشن شد که بین رشته تحصیلی و نظام‌های ارزشی هم رابطه وجود دارد. مقایسه ارزش‌های کودکان در کشورهای آمریکا، انگلستان، ترکیه، ایران، کامبوج و ژاپن نشان می‌دهد که کودکان از طریق نقاشی، بازی و فعالیت‌های ورزشی، ارزش‌های غالب فرهنگی اجتماعی جامعه خود را منعکس می‌کنند (۲۰).

۱. با توجه به نتایج تحقیقات معلوم می‌شود که نهاد آموزشی هر کشور در انتقال ارزش‌های فرهنگی اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند. بنابراین، به مسئولین و دست‌اندرکاران آن توصیه می‌شود به این امر توجه ویژه داشته باشند و آن را تقویت کنند.

۲. با توجه به ارتباط نزدیک نهادهای مختلف اجتماعی در جهت انتقال ارزش‌های فرهنگی اجتماعی، باید بین این نهادها همسویی و هماهنگی بیشتری ایجاد شود.

۳. با توجه به اهمیت بافت و زمینه متفاوت اجتماعی، فرهنگی در رشد ارزش‌ها، قبل از تدوین هر گونه برنامه آموزشی، تربیتی، باید به این موضوع توجه کرد و ارزش‌هایی متناسب با بافت اجتماعی ارائه داد.

۴. از آن جا که ارزش‌های فرهنگی اجتماعی نسبتاً ثابت است، به مسئولان فرهنگی و آموزشی و تربیتی توصیه می‌شود با برنامه ریزی درست و ارائه برنامه‌های آموزشی برگرفته از فرهنگ دینی و ملی برای تثبیت ارزش‌ها، ایجاد ارزش‌های متناسب با رشد مرحله سنی نوجوانان و پهلبداری ارزش‌های مثبت تلاش کنند.

۵. از آن جا که بین ارزش‌های نوجوانان و جنبه‌های گوناگون رفتار، نگرش، عادات، تفکر و احساسات ارتباط وجود دارد، توصیه می‌شود که مسئولان فرهنگی به رشد و ایجاد نظام ارزشی افراد توجه داشته باشند.

۶. با توجه به تحقیق ابروایی و همکاران با ارزشیابی ارزش‌های افراد می‌توان در امور استخدامی، دانشگاه‌ها، مؤسسات تربیتی و... از آن به منابه وسیله‌ای مناسب استفاده کرد.

پرتال جامع علوم انسانی
فصلنامه علمی-تخصصی

1. System
2. Culture
3. Tylor
4. Socialization
5. Acculturation
6. Mansted & Howstone
7. Rollo May
8. Developmental Pattern
9. Values & Moral Standards
10. Debease
11. Abstract Standards
12. Mature Values
13. Parson
14. Spranger
15. Kahen - Raz
16. Cleckley
17. Functionalist
18. Conflict
19. Interactionist
20. Morgado
21. Kita & Starczyk
22. Value Crisis
23. McCarty & Shrum



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کوئن، بروس. درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه، محسن ثلاثی. نهران، فرهنگ معاصر، (۱۳۷۳).
۲. ستوده، هدایت‌گه. آسیب‌شناسی اجتماعی. نهران، انتشارات آرای نور، (۱۳۷۶).
۳. منبع شماره ۲.
۴. ابروانی، محمود و همکاران. رابطه ادراک کلمات و تصاویر با ارزشها، مجله دانش و پژوهش سال دوم، شماره ۵، صص ۱۳-۲۲، (۱۳۷۹).
5. Hergenhahn, B.R. and Olson, M.H. (1999). *An Introduction to Theories of Personality, Fifth edition* by prentice - Hall, Inc.
۶. احمدی، سید احمد. روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، اسفهان، انتشارات مشعل، (۱۳۶۱).
۷. حسن‌زاده، رمضان. بررسی مسئله مرائب آموزش‌های دانش‌آموزان دوره متوسطه استان‌های مازندران و گلستان، مجله دانش و پژوهش، سال دوم، شماره ۵، صص ۳۱-۳۸، (۱۳۷۹).
8. Berk, L.E. (1994). *Child Development, Third edition* by Allyn and Bacon
۹. روش، کی. کنش اجتماعی، ترجمه، همازنجانی‌زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۸۹)، (۱۳۷۰).
10. Schoefer, R.T. and Lamm, R.P. (1998). *Sociology, The* Mc Graw-Hill Inc.
۱۱. منبع شماره ۷.
12. Eccles, J.S; Wigfield, A; Flanagan, C.A; Miller, C. (1998). *Self - concepts, domain values, and self - esteem; Relations and changes at early adolescence. Journal of personality, Jun vol 57 (2) 283-310.*
۱۳. منبع شماره ۷.
14. Obidi, S.S (1993). *A study of the reactions of secondary grammar school students to Indigenous moral values in Nigeria. Journal of Negro - Education, winter vol. 62 (1) 82-99.*

13. Sarason, I. G; Sarason, B.R. (1998). *Abnormal Psychology: the Problem of Maladaptive Behavior*, by prentice - Hall Inc.

۱۴. گلک، عبدالعزیز، سلسله مراتب ارزش های نوجوانان دختر و پسر، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، (۱۳۷۸)

۱۷. شمسیان، داود، بررسی سلسله مراتب ارزش های نوجوانان و جوانان دختر و پسر، چکیده تحقیقات تربیتی (۴۶) دفتر مشاوره و تحقیق معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، تهران: انتشارات نمود عمومی معاونت پرورشی، (۱۳۷۶).

18. Lee, V.B; Marks, H.M. (1990). *Sustained effects of the single - sex secondary school experience on attitudes, behaviors, and values in college. Journal of educational Psychology*, sep vol. 82 (3) 578-592.

۱۹. منبع شماره ۱۰.

۲۰. محمد خلیفه، عبداللطیف، بررسی روان‌شناختی تحول ارزش ها، ترجمه: سید حسین سیدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، (۱۳۷۸).



شوریه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی